

مسجد صاحب الزمان (عج) در محله سرافرازان
با وقف ۲ جانباز و مشارکت اهالی محله
شکل گرفته است

داستان خانه‌ای که می‌خواست مسجد باشد

۵۴



ضمیمه رایگان روزنامه شهریار
شماره روزنامه ۳۸۶۷
چهارشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۱
شماره ضمیمه مجله ۵۱۰
دریافت نسخه الکترونیک شهریار محله از
shahraranews.ir

MashhadChehreh.ir
مشهدچهره
@Mashhad.Chehreh

۶

نگاهی به مجتمع مسکونی
شهرک طالقانی که
۵۵۵ خانواده از کارمندان
جهاد کشاورزی در ساخت
آن سهیم هستند

همسایه‌داری
نزدیک کوهپایه



۴

سندهای چهارچشمه
به زودی تعیین تکلیف می‌شود

۷

قولش قول بود

منطقه

۹

منطقه

۱۰

در نشست مردمی «پای حرف مردم» در مسجد قمر بنی هاشم (ع) مطرح شد

سند های چهار چشمه به زودی تعیین تکلیف می شود

حفاری چاه ارت در ایستگاه پمپاژ گاز خیابان امامیه ۱۵، ۶ ماه طول کشیده است

پایان حفاری تادو هفته آینده



رضاری ای ادخل خیابان امامیه ۱۵، نبش چهارراه اول، ایستگاه کاتدیگ گاز قرار دارد که از سال ۱۳۷۲ بنا شده و کارش پمپاژ گاز است. بعد از گذشت سه دهه، اداره گاز در حال حفر چاهی در کنار این ایستگاه پمپاژ است و می گویند این اقدام برای حفاظت از خوردگی لوله های گاز اجرامی شود.

به گفته اهالی، این پروژه که بنا بوده یکی دو ماهه به پایان برسد، ۶ ماه است که ادامه دارد و ساکنان هم جوار از صدای مهیب و گرد و خاک دستگاه حفاری به ستوه آمده اند.

بعد از پیگیری ما، نگهبان مستقر شد

محسن موسوی زاده، یکی از اهالی این خیابان که منزلش درست دیوار به دیوار ایستگاه پمپاژ گاز قرار دارد، به ما می گوید: «اواخر بهار بود که عملیات حفر چاهی که می گویند چاه ارت است، در این محل آغاز شد. یک چهار دیواری ساختند و دستگاه حفاری را در آن مستقر کردند. پیمانکار پروژه در روزهای آغازین می گفت که این کار در نهایت یک ماهه به پایان می رسد، اما اهالی هر چه منتظر ماندند، این کار سرانجامی نداشت، تازه حین انجام کار، یکی دو ماهی پروژه راها کردند و رفتند.»

او ادامه می دهد: «پروژه حتی نگهبان نداشت، به همین دلیل هر شب کارتن خواب ها و معتادان در آن چهار دیواری جمع می شدند و شب را به صبح می رساندند. کلی در شهرداری و اداره گاز دوندگی کردیم تا سرانجام پیمانکار مجاب شد که آنجا نگهبان شبانه روزی بگذارد.»

۶ ماه است زندگی ام زیر خاک است

محمد حسینی، دیگر ساکن این خیابان، از سر و صدای بسیار زیاد دستگاه حفاری حین کار گلایه می کند. او با بیان اینکه از وقتی پروژه حفاری چاه ارت در ایستگاه پمپاژ گاز آغاز شده است، زندگی اش زیر خاک است، می گوید: «شش ماه است که از اول صبح تا ساعت ۵ و ۶ عصر دستگاه حفاری مدام کار می کند و صدای مهیبی دارد. همچنین خاک حاصل از حفاری زمین را در همان محل دپو می کنند، وقتی باد می وزد، همه زندگی من زیر خاک می رود.»

او می گوید: «ما آخر نفهمیدیم این چاه ارت چه کارایی ای دارد! یک بار به ما می گویند اینجا ایستگاه مادر پمپاژ گاز است و می خواهیم آن را تقویت کنیم. یک بار می گویند می خواهیم از بار توزیع گاز در این ایستگاه کم کرده و به سایر ایستگاه های پمپاژ گاز اضافه کنیم و عده ای هم می گویند این چاه برای محافظت از خوردگی لوله های گاز حفر شده است. خلاصه ما نفهمیدیم این حفاری ها به چه منظوری انجام می شود و از همه مهم تر تا کی قرار است ادامه داشته باشد.»

تا ماه آینده پروژه تکمیل می شود

پیمانکار پروژه دو هفته گذشته تغییر کرده است. تنها کسی که در محل حضور دارد، خود را رسول شهری معرفی می کند که ایستگاه حفاری است. او می گوید: «۱۵۰ متری که عمق استاندارد چاه ارت است، حفاری ۱۱۰ متر انجام شده است و با همین رویه امیدواریم در مدت کوتاهی این پروژه جمع شود.»

مدیر روابط عمومی اداره گاز استان خراسان رضوی هم از همکاری شهروندان در اجرای این پروژه تشکر می کند و می گوید: «هدف از ایجاد چاه ارت در این مکان، پیشگیری، کاهش و جلوگیری از ایجاد خوردگی در خطوط لوله انتقال و تغذیه مناسب گاز در محدوده قاسم آباد است. حسن خیراندیش با بیان اینکه حفاری چاه ارت در زمهره پروژه های ضروری اداره گاز است می گوید: «با پیگیری های اهالی سعی می کنیم این پروژه تادو هفته آینده به سرانجام برسد.»



نجمه موسوی کاهانی را ادامه باز دید های مردمی اعضای شورای اسلامی شهر به همراه شهرداران مناطق که با عنوان نشست های «پای حرف مردم» صورت می پذیرد، این بار ایمان فرهنگساز رئیس کمیسیون عمران، حمل و نقل و ترافیک شورای شهر به همراه سعید حسینی زاده مقدم شهردار منطقه، بین اهالی محله چهار چشمه در مسجد قمر بنی هاشم (ع) حضور یافتند و پای حرف مردم نشستند. چهار چشمه، محله ای قدیمی با مشکلاتی ریشه دار است که ساخت و سازهای جدید نه تنها باعث رفع آن مشکلات نشده، بلکه بر تعداد آن ها افزوده است.

ناسامانی ایستگاه های اتوبوس

امین... زنگنه، از اعضای جدید شورای اجتماعی محلات و عضو هیئت امنای مسجد قمر بنی هاشم (ع)، به عنوان نماینده جمعی از مردم می گوید: «ناسامان بودن وضعیت ایستگاه های اتوبوس از مشکلات اصلی این محله است. بیشتر این ایستگاه ها نه سایبان دارند و نه صندلی. درخواست تأمین اعتبار برای ساخت نمای مسجد قمر بنی هاشم (ع) و همچنین تخصیص اعتبار برای راه اندازی درمانگاه خیریه در طبقه فوقانی همین مسجد، از جمله مواردی است که تعداد زیادی از اهالی محل بر آن اتفاق نظر دارند.»

شهین عظیمی مهر، از اهالی ساکن روستای چهار چشمه علیا که مدتی است به شهر پیوسته، با بر شمردن مشکلات فراوان این محدوده که «خورشید» نام گذاری شده است، بیان می کند: «در انتهای بولوار هاشمیه غیر از مشکل نداشتن سند و دیوار کشی اراضی، با معضلاتی چون کابل دزدی، نداشتن امکانات رفاهی و همچنین نبود مسیر خودرویی و عابر پیاده مواجه ایم.»

چهار چشمه، در اولویت اعتبار پروژه های زود بازده

سعید جلائیان، دیگر عضو شورای اجتماعی محله چهار چشمه، بیان می کند: «مردم در این محل با مسائل عجیبی روبه رو هستند، گذر از مسیر های تپه ای، وجود کال در وسط محله، نبود پیاده رو های مناسب و آسفالتهای فرسوده از جمله مسائلی است که بحث امروز نیست و از گذشته بارها با مسئولان شهرداری مطرح کرده ایم.»

جلائیان درخواست اجرای پروژه های زود بازده در این محله را مطرح می کند و می گوید: «برای ما مشخص نیست که معیار انتخاب محلات حاشیه ای و تخصیص اعتبار پروژه های زود بازده به محلات پیرامونی چیست، اما برای ما این باوریم که محله چهار چشمه با مشکلات پیچیده ای که دارد، مستحق قرار گرفتن در جرگه این اعتبارات بوده است.»

چهار چشمه از نظر مدیران، حاشیه نیست

ایمان فرهنگساز در پاسخ به درخواست های مردمی توضیح می دهد: «امکانات ایستگاه های اتوبوس بر اساس تعداد مسافر تعیین می شود. معمولاً به ایستگاه های ابتدایی که تعداد زیادی مسافر دارند، سایبان و صندلی تعلق می گیرد و به ایستگاه های آخر تعلق نمی گیرد. ایستگاه های محلاتی مانند چهار چشمه که در انتهای مسیر هستند، معمولاً در مسیر رفت مجهز هستند و در مسیر برگشت سایبان و صندلی ندارند.»

فرهمندی ادامه می دهد: «قرار گرفتن محلات در رده محله های پیرامونی بر اساس ویژگی های خاصی از سمت سازمان با آفرینی شهری کل کشور تعیین می شود که در تقسیم محلات شهری، محله چهار چشمه جزو حاشیه شهر قرار نگرفته است.»

اراضی چهار چشمه علیا سند دار می شود

شهردار منطقه ۹ با بیان اینکه اهالی چهار چشمه علیا چطور برای گرفتن سند های خود اقدام کنند، توضیح می دهد: «بخش خورشید یا چهار چشمه علیا در انتهای هاشمیه به زودی از جهت سند ها تعیین تکلیف می شود، همچنین پروژه آسفالتهای معابر در حال اجراست و به زودی مشکلات این محله که تازه به شهر پیوسته است، با همکاری اهالی رفع خواهد شد.»

سعید حسینی زاده مقدم در باره نمای مسجد محل، قول تأمین اعتبار ۵۰۰ میلیون تومانی را داد و در خصوص درمانگاه، همکاری مراکز مرتبط مانند بهداشت و وزارت علوم را لازمه کار دانست.

چشم‌روشنی برای اهالی محله ایثارگران و رازی

پیاده‌روسازی انتهای شاهد بعد از ۲۰ سال

هستیم که با اجرای این پروژه باعث دلگرمی اهالی قاسم‌آباد شده است. بولوار شاهد، از مهم‌ترین ورودی‌های مشهد و منطقه ۱۰ از سمت جاده قوچان است و باید دستی به سر و روی آن کشیده شود. صادق کرمانی، یکی دیگر از اهالی این محدوده از شهر، ضمن تشکر از پیگیری‌های شهرآرامجله می‌گوید: نقش رسانه باعث شد مدیران شهرداری منطقه ۱۰ بیشتر متوجه این محدوده از قاسم‌آباد شوند و این اتفاق خوب رقم خورد. او ادامه می‌دهد: پیاده‌روهای انتهای بولوار شاهد علی‌رغم تردد فراوان در آن، بسیار ناهموار است و کودکان، سالمندان و توان‌یابان نمی‌توانند راحت در این مسیر تردد کنند.

شهردار منطقه ۱۰ درباره این پروژه می‌گوید: همت اهالی و پیگیری شهرآرامجله سبب شد که شهرداری توجه بیشتری به این موضوع داشته باشد و از بودجه‌های در اختیار برای آغاز این پروژه استفاده کنیم. امیدواریم در زمان بسیار کوتاه‌تری کار را به پایان برسانیم و پیدایش صبر اهالی را با تسریع در اجرای این پروژه بدهیم.

در این پروژه از تقاطع بولوار شاهد و اندیشه تا بزرگراه پیامبر اعظم (ص) (ابتدای خیابان امام دوست) پیاده‌روسازی خواهد شد.

آزیتاعطاری شهردار منطقه ۱۰ از آغاز پروژه پیاده‌روسازی بولوار شاهد خبر داد: پروژه‌ای که پیش‌تر سعید اکبریان در گفت‌وگو با شهرآرامجله به شش ماه آینده موکول کرده بود. بهسازی پیاده‌روهای نامرتب و نازیبای انتهای بولوار شاهد، خواست دیرین اهالی محلات ایثارگران و رازی است که بعد از بیست سال محقق می‌شود.

اهالی در تماس با شهرآرامجله می‌گویند: «بالاخره پیگیری‌هایتان نتیجه داد. چشممان روشن شد!» این می‌شود شروع مکالمات درباره قدردانی از شهردار منطقه ۱۰ و شهرآرامجله که در نظر اهالی انتهای خیابان شاهد، در موضوع بهسازی پیاده‌روهای انتهای خیابان شاهد خوب عمل کردند.

هادی حسینی در این باره می‌گوید: «با اینکه شهردار ضرب‌الاجل شش ماهه را برای این پروژه اعلام کرده بود و ما خرسند بودیم از اینکه گره کور بهسازی پیاده‌روها در همان شش ماه باز خواهد شد، دو هفته پیش دیدیم شهرداری منطقه همت کرده است تا در دلدل شهروندان راز و تراز موعدی که وعده داده است، تسکین دهد.

او ادامه می‌دهد: کار شروع شده است و بالاخره طلسم بیست ساله بهسازی پیاده‌روها شکسته شد. ما این را مدیون شهرداری منطقه



نامه تقدیر اهالی از روزنامه شهرآرامجله

امامیه، رسالت، حجاب، ایثارگران، امام هادی (ع)، خاتم الانبیا (ص) و میثاق ثبت نام کردند که از میان آن‌ها ۱۴۱ نفر برای کرسی‌های جدید شورای اجتماعی برگزیده شدند.

اکبریان در پایان به شکل‌گیری محله جدید «میثاق» در محله ۱۰ اشاره کرد و گفت: محله رسالت از جمله محلات حاشیه‌ای منطقه ۱۰ محسوب می‌شود که با مشکلات شهری، فرهنگی و اجتماعی فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند. این محله به دو محله کوچک‌تر تبدیل شده است و بخشی از آن به نام محله میثاق، برای اولین بار شورای اجتماعی دارد.

هدف بازآفرینی قرار می‌گیرند و پروژه‌های خرد و کلان در مناطق مختلف مشهد اجرا می‌شوند، به این دلیل است که شوراهای اجتماعی محلات این را به عنوان خواست مردم به مدیریت شهری منتقل کرده‌اند. در همین راستا، چه بسیار طرح‌هایی که در اولویت اجرا قرار نداشتند، اما بنا به توصیه شوراهای اجتماعی، در اولویت تخصیص بودجه قرار گرفتند و هم‌اکنون در مرحله عمرانی قرار دارند.

شهردار منطقه ۱۰ در ادامه گفت: ۳۱ نفر برای عضویت در شورای اجتماعی سیزده محله رازی، استاد یوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان،

دار و دووم اینکه از باز خورد مجموعه برنامه‌های اجرا شده در هر مرحله آگاه شویم و بدانیم که طرح‌های فرهنگی، اجتماعی و عمرانی تا چه اندازه توانسته‌اند به هدف خود برای تسهیل زندگی مردم برسند. او افزود: اهداف مدیریت شهری محقق نمی‌شود، مگر در سایه تعامل و ارتباط دو طرفه میان مردم و مدیریت شهری؛ بر همین اساس، هر قدر شوراهای اجتماعی محلات تقویت شود، می‌تواند به کسب دستاوردهای درخشان برای مدیریت شهری در مقیاس کلان بینجامد.

این مقام مسئول تصریح کرد: اگر بافت‌های فرسوده به عنوان محلات

رضا ریاحی | اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۱۰ انتخاب شدند. سعید اکبریان، شهردار منطقه، با اعلام این خبر گفت: پس از اعلام فراخوان دوره یازدهم عضویت شوراهای اجتماعی محلات، ثبت نام افراد متقاضی آغاز شد و اعضای شورای اجتماعی سیزده محله این منطقه در یک بازه زمانی دو هفته‌ای مشخص شدند.

اکبریان با تأکید بر ضرورت ارتباط مدیریت شهری و شوراهای اجتماعی محلات بیان کرد: مدیریت شهری نیازمند اطلاع دقیق در دو محور است؛ نخست اینکه بدانند در هر محله از شهر به طور خاص چه نیازهایی وجود

اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۱۰ برگزیده شدند

«میثاق» شورای جدید قاسم‌آباد



اینفوگرافی



این کلاس‌ها را از دست ندهید

منطقه ۱۰ آنها منطقه شهری است که سه فرهنگ‌سرای فعال دارد. در این میان، فرهنگ‌سرای خانواده برای کودکان و دانش‌آموزان و حتی والدین آن‌ها کلاس‌های متنوعی برگزار می‌کند؛ این کلاس‌ها هم کاربردی است و هم هزینه‌ثبت نام مناسبی دارد. از ۱۲۵ هزار تومان تا ۳۱۲ هزار تومان که بسته به نوع کلاس‌ها و مدت دوره آموزشی متفاوت است.

● مسجد نیاز اصلی محله بود

تامیانه‌های کوچه پیش می‌روم، یک تابلو فلزی سبزرنگ کوچک که نام مبارک صاحب الزمان (عج) بر آن نقش بسته و یک پرچم سیاه باددوروزی سبز که به دلیل وزش باد زمستانی چندلایه هم تاخورد. تنها نشانه‌هایی است که در سفیدرنگ ساده این مسجد از خانه‌های اطرافش متمایز کرده است. در دهمین سالگرد شکل گرفتن این مسجد با شمایل امروزی اش، قدیمی ترین هیئت امنایی را که این مسجد با تلاش آن هابناشده است، دور هم جمع کرده ایم. یک جمع پنج نفره از جانبازان و ایثارگرانی که در همین محل زندگی می‌کنند و تمام هم و غمشان، سر و سامان دادن به فضای مسجد و فعالیت‌های فرهنگی محله شان است. رضا گلی، حسین فتایی، رضا شرفخانی، علی عباسی، برات ایمانی و مرحوم دهنوی (پدر شهید حمید رضاد دهنوی) در سال‌های اولی که این دو خانه وقف شد، برای مسجد شدن این فضا بسیار تلاش کردند. برات ایمانی مایون، از فعالان فرهنگی و اجتماعی قدیمی محل، می‌گوید: از دهه ۷۰ که ایثارگران، جانبازان و تعدادی از روحانیون در شهرک آزادگان ساکن شدند، خلأ و کمبود فضای فرهنگی و مذهبی حس می‌شد. در آن زمان با اینکه تعداد جوانان محله زیاد بود، متأسفانه هیچ مسجدی یا حسینیه‌ای نزدیک این شهرک وجود نداشت، اما ما بیکار نشستیم و از سال ۷۹ خودمان هیئت رهروان شاهد راه اندازی کردیم.

ایمانی تعریف می‌کند که چطور با همراهی همسایه‌ها برای برگزاری مراسم خیمه برپا می‌کردند؛ یکی برق را تأمین می‌کرد و یکی آب، دیگری اجازه می‌داد از گاز منزلش استفاده کنند و خلاصه همه با هم کمک می‌کردند تا مراسم به بهترین شکل برگزار شود. اما بعد از چند سال که ماه محرم و صفر به زمستان افتاد، سرمایه‌ها را به این فکر انداخت که از منزل اهالی برای برپایی مراسم استفاده کنند. اومی‌گوید: سال ۸۷ برای اولین بار این اتفاق افتاد. اهالی متوجه شدند که جانبازی به نام صاحب احسن در کوچه شاملو ۲ خانه‌ای دارد. او و خانواده اش ساکن تهران بودند و این خانه بدون مستأجر به امان خدا رها شده بود. با خودمان گفتیم خیلی خوب می‌شد اگر آقای احسن اجازه می‌داد مراسم دهه اول محرم را در خانه اش برگزار کنیم.

● می‌خواست خانه اش را برای ساخت مسجد بفروشد

رضا شرفخانی که در آن دوره مداح هیئت هم بوده است، در ادامه صحبت آقای ابراهام می‌گوید: من بنگاه معاملات املاک دارم. آن زمان آقای صاحب برای فروش خانه اش به ما مراجعه کرد. وقتی دلیل فروش را پرسیدم، گفت می‌خواهم ملک را بفروشم و مسجدی بنا کنم. من که می‌دانستم بچه‌های هیئت رهروان شاهد دنبال جایی برای برگزاری مراسمشان هستند، سریع با آن‌ها تماس گرفتم و به آقای ایمانی گفتم جریان از چه قرار است و آقای احسن چه نیتی دارد؛ شماره اش را هم دادم به آقای ایمانی.

ایمانی رشته صحبت را در دست می‌گیرد و ادامه می‌دهد: با آقای احسن تماس گرفتیم و از ایشان خواستیم برای فروش دست نگه دارد تا مراسم دهه اول محرم را در منزل ایشان برگزار کنیم. خدا را شکر ایشان شرایط ما و نیاز محله به فضای معنوی و مذهبی را متوجه شدند و قبول کردند. حیاط را با دار بست و پارچه‌ریز پوشاندیم و مراسم دهه اول محرم باشور زیاد در آنجا برگزار شد. تا سوعای همان سال این جانباز عزیز به مشهد آمد و از نزدیک دید که مردم چطور از این مراسم استقبال کرده‌اند. تا حدی که در حیاط خانه اش جای سوزن انداختن نبود. وقتی آقای احسن می‌خواست به داخل حیاط خانه بیاید جمعیت در خانه ایستاده بودند و عزاداری می‌کردند. با دیدن این صحنه‌ها متوجه شد که داشتن مکانی برای برنامه‌های مذهبی از نیازهای جدی این محله است. ابتدا اجازه داد که مراسم مذهبی و نمازهای پنج‌گانه در این خانه برپا شود. ماهم سه وعده نماز و همه مراسم هفتگی مثل دعای ندبه، دعای توسل و... را در آنجا برگزار کردیم. بعد از مدتی آقای احسن از فروش خانه منصرف شد و همین بنا را وقف کرد تا اهالی، مسجدی برای خودشان داشته باشند.

مسجد صاحب الزمان (عج) در محله سرفرازان
با وقف ۲ جانباز و مشارکت اهالی محله
شکل گرفته است

داستان خانه‌ای که می‌خواست مسجد باشد

نجمه موسوی کاهانی اگر گذرتان به محله سرفرازان بیفتد، در محدوده خیابان شاملو در شهرک آزادگان پای صحبت هر کدام از اهالی قدیمی که بنشینید، از مسجدی می‌گویند که یکی دو متری در آن بسهم دارند؛ مسجدی که از ترکیب دو خانه مسکونی درست شده است و بسیاری از جانبازان و ایثارگران به آن تعلق خاطر دارند. کلید این مسجد در جیب نصف همسایه‌ها پیدا می‌شود؛ در همه مناسبت‌ها در آن محل دور هم جمع می‌شوند و قدیمی ترین پاتوق فرهنگی مذهبی محله محسوب می‌شود. بیشتر اهالی را هم در موعود نمازهای پنج‌گانه می‌توانید در این مسجد پیدا کنید. پایگاه‌های مقداد که یکی از فعال ترین پایگاه‌های بسیج است، در این مسجد شکل گرفته و گروه‌های مذهبی و فرهنگی بانوان به بهترین شکل در آن مشغول فعالیت هستند. با این تفصیل، راهی خیابان شاملو ۲ می‌شویم تا این مکان خاص را که ما من قدیمی‌های این محله و خاستگاه تعدادی از جوانان انقلابی و مؤمن شهرمان است، از نزدیک ببینیم.



شادروان حاج محمدحسین یعقوبیان
دومین واقف مسجد صاحب الزمان (عج)



● از خشت اول نیتیم ساختن خانه خدا بود

متر از بیشتر خانه‌های خیابان شاملو ۲۰۷ متر است. اهالی از سال ۸۷ به بعد، مسجدی با همین مساحت داشتند که تقریباً دوسوم آن زیر بنا بوده است. وقتی با صاحب احسن، جانباز ۷۰ درصد جنگ صحبت می‌کنم، متوجه می‌شوم او از همان ابتدا نیتش این بوده است که خانه را وقف مسجد کند؛ نشان به آن نشان که حال و پذیرایی خانه‌اش را به صورت یکدست و بدون ستون می‌سازد تا برای برگزاری مراسم و نماز مناسب باشد. آقا صاحب که برادر شهید محمد حسین احسن، فرزند شهید حاج علی احسن و برادر جانباز قاسم احسن است، درباره این خانه می‌گوید: خشت خشت آن را خودم بنا کردم. با هر آجری که می‌گذاشتم، آیه ۱۲۷ سوره بقره را بر زبان جاری می‌کردم. همان طور که حضرت اسماعیل و ابراهیم مسجد الحرام را بنامی کردند. من هم به پیروی از آنان بنایت این‌که این‌جا خانه خدا باشد، زیر بنا را بدون ستون و به صورت یکسره ساختم، طوری که برای برگزاری نماز و مراسم مذهبی مناسب باشد. او که در عملیات دفاع از خرمشهر، درست یک روز قبل از سقوط این شهر در تاریخ سوم آبان ۵۸ از ناحیه دو پا و قسمت‌های داخلی شکم مجروح شده است، می‌گوید گاهی افرادی به او مراجعه می‌کردند و می‌گفتند که این ملک را به خیریه‌ها بخش، به جای این‌که به مسجد تبدیل کنی، اما درست همان موقع که چند نفر برای عوض کردن نظرش با او صحبت می‌کردند، خودش به مشهد می‌آید و از نزدیک شور و اشتیاق مردم این محله را برای برگزاری مراسم دهه اول محرم می‌بیند. متوجه می‌شود که داشتن یک مکان مذهبی از اصلی‌ترین نیازهای مردم این محله است؛ زیرا تعداد زیادی جوان و نوجوان در اینجا زندگی می‌کنند و باید برای آن‌ها زمینه برگزاری مراسم مذهبی وجود داشته باشد. احسن می‌گوید: وقتی استقبال مردم را دیدم درنگ نکردم. کلید خانه را به معتمدان محل دادم و گفتم فضای مذهبی محله را پویا تر کنند. خیلی زود برای وقف هم اقدام کردم تا مبادا حرف و حدیث‌ها مرا از این کار منصرف کند.

● پدر شهید دیوارهای مسجد را رنگ کرد

وقتی احسن این خانه را وقف مسجد کرد، مرحوم علی دهنوی، پدر شهید حمیدرضا دهنوی، تیشه در دست گرفت و دیوار اتاق‌ها را هم برداشت تا فضای مسجد کاملاً یکدست شود. خدا بی‌امر حاج علی دهنوی از کودکی بنایی می‌کرد؛ تمام سقف رانیز گچ بری و در دیوار رنگ آمیزی کرد. همه اهالی دست به دست هم داده بودند تا مسجد محله‌شان را بسازند. آن‌ها بعد از مدتی، بخشی از حیاط را هم مسقف کردند تا مسجد بزرگ‌تر شود. سید عزیز خطیبی، امام جماعت مسجد و اهالی همین محله، که از همان سال اول در کنار هیئت‌امنا حضور داشته است، می‌گوید: بعد از چهار سال احساس کردیم ۲۰۷ متر خانه‌ای که وقف شده است، برای این جمعیتی که هر روز از نمازهای جماعت و فعالیت‌های فرهنگی مسجد استقبال می‌کنند، کم است. تصمیم گرفتیم با کمک اهالی، یکی از خانه‌های اطراف مسجد را بخریم. یک طرف مسجد، خانه سید مرحومی بود. آن خانه دست‌ورته افتاده بود و نمی‌شد خیلی زود برای تملک آن به نتیجه رسید. سمت دیگر خانه مرحوم جانباز قاسم صفری بود که خانواده‌اش تصمیم داشتند خانه را بفروشند. با اهالی مطرح کردیم که هر کس یک سهم یک میلیون تومانی از این خانه را بخرد، در مسجد یک متر سهم دارد.

● نفری یک متر از بهشت

پیشنهاد مشارکت در مسجد ایده خیلی خوبی بود و اهالی از آن استقبال کردند. حدود ۵۰ میلیون تومان جمع شد. اما قیمت خانه جانباز صفری حدود ۴۴۰ میلیون تومان بوده است و فراهم کردن مقداری که کم داشتند، کار آسانی نبود. در همان ایام یک اتفاق خاص دیگر نیز رخ می‌دهد که برای نمازگزاران مسجد صاحب الزمان (عج) بیشتر شبیه معجزه بوده است. حاج آقا خطیبی درباره دومین وقف این مسجد می‌گوید: در همان سال، پاسدار گران قدری به نام مرحوم محمد حسین یعقوبیان که به مسجد می‌آمد، از دنیا رفت و همسر وی از ما خواست که وصیت نامه را روی منبر بخوانیم. آنجا متوجه شدیم که ایشان ثلث اموالشان را برای گسترش مسجد صاحب الزمان (عج) وقف کرده‌اند. با همکاری همسر مرحوم یعقوبی مبلغ ۲۲۰ میلیون تومان به مسجد هدیه شد؛ برای فراهم کردن مابقی هزینه خرید منزل آقای صفری هم حدود صد نفر از اهالی، پول‌هایشان را روی هم گذاشتند و بدین ترتیب ۲۰۷ متر خانه کناری را به مبلغ ۴۴۰ میلیون تومان خریدیم. از همان زمان مسجد صاحب الزمان (عج) به همه اهالی شهرک آزادگان تعلق دارد.

● مهر بهام را برای گسترش مسجد بخشیدم

باشنیدن روایت وصیت نامه مرحوم یعقوبیان که یک سوم از اموالش را وقف مسجد کرده بود، ترغیب می‌شویم با همسر وی صحبت کنیم. بانو فاطمه آخوندزاده که در ۲۷ سال زندگی مشترک با مرحوم یعقوبیان فرزندی نداشته است، بعد از فوتش به وصیت نامه او عمل می‌کند و یک سوم از اموال را می‌بخشد. البته غیر از او، خواهرهای مرحوم هم وارث بوده‌اند و باید آن‌ها را هم در جریان وصیت برادرشان قرار می‌داده است. فاطمه آخوندزاده که طبق وصیت همسر مرحومش بخشی از خانه بزرگشان در خیابان شاملو را به مسجد بخشیده است و این روزها در خانه کوچکی در محدوده میدان نمایشگاه بین‌المللی روزگار می‌گذراند، می‌گوید: همسر مرحوم یک سپاهی مؤمن واقعی بود. قبل از فوتش با من این قضیه را مطرح کرد که می‌خواهد بخشی از اموالش را به مسجد محله ببخشد. من هم از این باقیات الصالحات راضی بودم و مهریه ام را به او بخشیدم تا بتوانم در این کار خیر شریکش باشم. سال ۹۱ بود. هنوز هفتم همسر من نشده بود که متوجه شدم هیئت امنای برای خرید خانه کنار مسجد پول لازم دارند. نزد امام جماعت رفتم و خواستم وصیت نامه را روی منبر بخوانند تا همه اهالی محل در جریان قرار بگیرند. در نهایت توانستیم نصف مبلغ خرید خانه کنار مسجد را هدیه کنیم.

● خانم‌های محل خادمان مسجد هستند

اهالی محل دو خانه کنار هم را یکی کردند و بدین ترتیب مسجد صاحب الزمان (عج) گسترش پیدا کرد. یک خانه را برای آقایان و یکی را برای بانوان در نظر گرفتند. یک نیم طبقه در طبقه بالا ساخته شد که آن را برای پایگاه بسیج در نظر گرفتند. حسین فنایی که از ابتدا مسئولیت برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مسجد پای کار است، راوی جنگ است و از همان ابتدا جوانان بسیاری را در پایگاه بسیج این مسجد پای کار آورده است. او می‌گوید: مسجد صاحب الزمان (عج) در سال‌های اخیر، مهم‌ترین پایگاه بعد از آورده است. اگر اهالی اختلافی داشته باشند، در ماه مبارک رمضان هر شب برنامه محله بوده است. نماز دور هم جمع می‌شوند تا مشکل را برطرف کنند. در ماه مبارک رمضان هر شب برنامه افطاری ساده‌ای برپا می‌شود که بیشتر حاصل تلاش بانوان محله است. دعای جوشن کبیر، قرآن به سر گرفتن تا سحر و... همچنین در این مسجد، در شب‌ها و روزهای محرم جای سوزن‌انداختن نیست و قرائت زیارت عاشورا، سخنرانی، مقتل خوانی و سینه زنی از جمله برنامه‌های این شب‌هاست. فنایی به موضوع مهمی اشاره می‌کند: او می‌گوید: سعی کرده‌ایم انگیزه حضور جوانان در مسجد را پررنگ کنیم. باعث افتخار است که بگویم نماز صبح مسجد صاحب الزمان (عج) با حضور بیش از سی تا چهل نوجوان مسجد صاحب الزمان برگزار می‌شود. این مسجد در تهیه جهیزیه و جوان محله برگزار می‌شود. هم بسیار فعال است و تاکنون موضوع ازدواج آسان هم برنامه‌ریزی شده است. در سی زوج جوان را به خانه بخت فرستاده است. در ضمن این‌جا خادم هم‌ندان، خانم‌های ما همگی هر هفته می‌آیند و خودشان نظافت و رسیدگی به مسجد را به عهده می‌گیرند.



نگاهی به مجتمع مسکونی شهرک طالقانی که ۵۵۵ خانواده از کارمندان جهاد کشاورزی در ساخت آن سهیم هستند

همسایه‌داری نزدیک کوهپایه

منطقه ۹

آمده است تا در بهبود وضعیت فرهنگی سهیم باشد. اومی گوید: در این کانون، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی انجام می‌شود؛ برگزاری مراسم مذهبی و اعیاد، پخت غذای نذری و برپایی نماز جماعت و مشاوره رایگان برای خانواده‌ها در روزهای یکشنبه، برپایی بازارچه اقتصاد مقاومتی برای بانوان در روزهای دوشنبه، اجرای اردوی مظهر در روزهای سه‌شنبه و تفسیر قرآن در روزهای چهارشنبه از جمله فعالیت‌هایی است که در کانون نورالزهر^(س) انجام می‌شود.

اوبه دیگر فعالیت خیرخواهانه‌ها را اشاره می‌کند و می‌گوید: معمولاً اهالی روی هم پول می‌گذارند و برای جوان‌ها سالن ورزشی اجاره می‌کنند تا اوقات فراغت فرزندان‌شان به جای رفیق بازی و گشت و گذار بیهوده به ورزش و تندرستی بگذرد.

حاج آقا قاسمی ادامه می‌دهد: هوای خوب و منظره کوه از یک طرف و دسترسی آسان به بولوارهای شهیدان صری، نماز و سردار سلیمانی، تعداد زیادی از مدیران ساکن در شهرستان‌ها را هم ترغیب کرده است که برای سفرشان به مشهد، این مجتمع را انتخاب کنند. در حال حاضر، اجاره ماهیانه واحدهای مسکونی اینجا بین ۷ تا ۷ میلیون تومان متغیر است.

همسایه‌داری زنانه رونق دارد

زهراسادات امینی که بعد از سروسامان پیدا کردن مجتمع به اینجا آمده است، می‌گوید: در این مجتمع همسایه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. عده‌ای که دوست دارند برای خودشان زندگی کنند و به دیگران کاری نداشته باشند، یک عده هم همسایه‌داری را سرلوحه زندگی‌شان قرار داده‌اند و با تعداد زیادی از ساکنان در ارتباط هستند. ما اینجا در مجتمع مهر کوهسنگی روضه‌های زنانه برگزار می‌کنیم، نذری می‌دهیم، خانم‌ها دور هم جمع می‌شویم و در بسیاری از امور با هم همفکری می‌کنیم. نمونه‌اش راه‌اندازی دوشنبه‌بازار است؛ عده‌ای از خانم‌ها تصمیم گرفتیم به اقتصاد خانواده کمک کنیم؛ بنابراین عصرهای دوشنبه، گوشه‌ای از مجتمع میز می‌گذاریم و هرکسی چیزی برای فروش می‌آورد، ترشی، شیرینی، عرقیجات، گل و گیاه، دست‌دوزهای خرد ریز و بافتنی در این بازار زنانه پیدا می‌شود. مادر مجتعمان افراد سرشناسی مانند دکتر زهر قاضی زاده و معصومه نجمی پور را داریم که از زنان فعال اجتماعی هستند و جزو سخنرانان معروف.

امنیت و بهداشت با شارژ ۱۸۰ هزار تومان

ساکنان این مجتمع برای داشتن سه‌شیت نگهبانی، پرداخت قبض آب مشترک، قبض برق مشترک بلوک، هزینه نظافت مجتمع و بلوک‌ها و خدماتی از این قبیل، مبلغ ۱۸۰ هزار تومان ماهیانه شارژ پرداخت می‌کنند. با پرداخت این مبلغ شارژ و مدیریت شانزده مدیر بلوک بیشتر ساکنان از وضعیت بهداشت و امنیت این مجتمع رضایت دارند.

در این مجتمع بلوک‌ها به سه دسته هشت طبقه‌ای (هر طبقه چهار واحد ۸۴ متری)، ۹۰ طبقه‌ای (هر طبقه سه واحد ۸۹ متری) و ۱۰ طبقه‌ای (هر طبقه شش واحد ۷۵ متری) تقسیم می‌شود. با اینکه شماره گذاری بلوک‌ها بر اساس حروف انگلیسی و اعداد است، برخی ساکنان خوش ذوق نام شعری بزرگ مانند خیام و سعدی را برای بلوک‌شان انتخاب کرده‌اند. مدیران بلوک‌ها کار سختی برعهده دارند. تصور کنید همراه کردن ۱۰ طبقه شش واحدی یعنی شصت واحد از هماهنگی برای کار در یک کوچه یا یک خیابان هم سخت‌تر است. اما مانجو معتقد است مدیرانی هستند که با گرفتن هزینه از ساکنان و مدیریت خوب می‌توانند به خوبی به مشکلات بلوک رسیدگی و به زیباسازی آن هم توجه کنند.

سندخانه‌ها همچنان بالاتر تکلیف است

حمید کبیادی هم که در سال ۹۴ به این مجتمع آمده است، می‌گوید: خانه‌های ما همه قولنامه‌ای است و با اینکه مشکلی از نظر تملک ندارد، پایان کار، تأییدیه آتش‌نشانی و در نهایت سند ندارد. علت هم این است که هیئت منصفه‌ای که از طرف جهاد تشکیل شده، از مردم درخواست ۱۵ میلیون تومان پول داشته است تا بتواند مسیر گرفتن سند را بپیماید. مردم به دلیل بدقولی‌های گذشته، اعتمادی به این هیئت ندارند؛ به همین دلیل سندها بالاتر تکلیف مانده است.

هر روز برای اهالی برنامه داریم

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قاسمی امام جماعت کانون نورالزهر^(س) است که خانم قاضی زاده آن را به ثبت رسانده است. او یکی از چهره‌های شناخته‌شده در این مجتمع است. به عنوان یک روحانی جوان جهادی، خانه خود را اجاره داده و به این مجتمع

نجمه موسوی کاهانی در میان مجتمع‌های منطقه ما، مجتمع جهاد کوهسنگی با شانزده بلوک هشت، نه و ده طبقه‌ای، از بلندترین مجتمع‌هایی است که به دلیل قرار گرفتن در حاشیه بولوار شهیدان صری و داشتن چشم‌اندازی از ارتفاعات جنوبی مشهد، بسیاری از افراد آن را با منطقه گردشگری آبادگران مقایسه می‌کنند. این مجتمع در منطقه‌ای خوش آب و هوا در شهرک طالقانی قرار دارد و در سال ۸۶ طرح مسکن مهر به جهاد کشاورزی واگذار شد تا ۵۵۵ خانواده از کارمندان این سازمان بتوانند زندگی نزدیک کوهپایه را تجربه کنند. به گفته قدیمی‌های ساکن این مجتمع پس از گذشت وقوس بسیار با پیمانکاران، بالاخره در سال ۹۴ اولین ساکنان مهر کوهسنگی به خانه‌هایشان آمدند. آن هم در شرایطی که هنوز هیچ کدام از بلوک‌های مجتمع تکمیل نشده بود و از ساکنان برای زندگی در شرایط کارگاهی تعهد گرفته شده که بعدها اعتراضی نداشته باشند.

بدو بدو در اداره آب و گاز!

کنتور آب مشترک بین ۵۵۵ واحد

محسن نامجو از ساکنان قدیمی که سال ۹۵ به مجتمع آمده است، می‌گوید: این مجتمع زیرساخت‌های خوب و کاملی دارد. تعداد پارکینگ‌های کافی و رمپ با شیب مناسب برای ویلچر در نظر گرفته شده است. در هر بلوک دو آسانسور باربر و نفر بر تعبیه شده است که از پارکینگ هم راه دارد برای افراد معلول هم قابل استفاده است. محل پمپ و منبع آب در هر بلوک وجود دارد و فضای کافی هم برای قسمت تجاری، سالن اجتماعات، سالن ورزشی و فضای سبز در نظر گرفته شده است. نامجویک، اما، ی بزرگ در پایان صحبتش می‌آورد و می‌گوید: به دلیل مشکلاتی که پیمانکار اول به وجود آورد و با هدر دادن سرمایه مردم، پیمانکار دوم را دست خالی گذاشت، این فضاها نیمه کاره رها شده است و باید با توجه بیشتر مدیران مجتمع به آن رسیدگی شود. وقتی خانه‌ها به ماتحویل داده شد، حتی تعدادی از آسانسورها موتور نداشت. او ادامه می‌دهد: یکی از مشکلات بزرگ ما کنتور آب مشترک بین ۵۵۵ واحد است. حتی فضای سبز نیز با همین آب شرب مشترک آبیاری می‌شود.

زهره قاضی زاده سومین نفری بوده که اسباب و اثاثیه‌اش را جمع کرده و زندگی در خانه نیمه کاره خود را به مستأجری ترجیح داده است. او درباره شرایط ساکن شدن در این مجتمع می‌گوید: شرکت پیمانکار طبق تعهدات پنج سال بعد از خرید زمین یعنی در سال ۹۱ باید خانه‌هایمان را به ماتحویل می‌داد اما به دلیل بدقولی‌های مداوم، تحویل خانه سه سال به تعویق افتاد و در سال ۹۴ این خانه‌ها به ساکنان تحویل شد. ما که یاد و فرزند از مستأجری خسته شده بودیم، در شرایطی که این آب و گاز و برق نداشت، با تعهدی که از ما گرفتند به خانه خودمان آمدیم. با اینکه طبقه چهارم بودیم، آسانسوری در کار نبود و باید مراقب می‌بودیم بچه‌ها در چاله آسانسور سقوط نکنند. با شلنگ از محوطه مجتمع آب می‌گرفتیم و با کپسول گاز بخت ویز و خانه‌مان را گرم می‌کردیم.

قاضی زاده که همسایه‌ها او را بانام همسرش به نام خانم داوری می‌شناسند، ادامه می‌دهد: وقتی در میان ۵۵۵ خانواده، سومین نفر باشی، یعنی خودت را فدای دیگران کرده‌ای تا مجتمع سروسامان پیدا کند. با چیه آن قدر به اداره آب و گاز رفتم تا بالاخره کنتور هانصب شد. البته همین دوندگی‌ها باعث شده است به مجتعمان تعلق خاطر بیشتری داشته باشیم.



راوی اول: عزت محمودیان، همسر شهید محمد رضا ریحانی یساولی

قولش قول بود



اهالی خاکریز

منطقه



آرزیتا عطارا

ورزش جایی با زندگی امید محله ما عجین شد که دختر خیابان هفتم تیرروایت ما یک روز همراه مادرش به باشگاه ورزشی رفت و علاقه پیدا کرد که رشته کیک بوکسینگ و کاراته را دنبال کند، ورزش هایی که بعد از دو سال و اکنون که او دوران نوجوانی را سپری می کند، آرامش عجیبی به او داده، است. از هیجان منفی دوره نوجوانی در وجودش خبری نیست و صبور تر شده است. هلنا گلی که اکنون هجده ساله و پشت کنکوری است، چند مقام استانی دارد و سال گذشته مقام نخست مسابقات کشوری سبک کومیته کیو کوشین را که در شیراز برگزار شد، از آن خود کرد.

دوست دارم مربی کاراته شوم

این مسیر ورزشی دو سال پیش شکل گرفت، اول بیشتر جنبه پر کردن اوقات فراغت را برایش داشت اما از وقتی نخستین کمر بند برای ارتقای رده را بر کمر هلنا بستند، او دیگر آن دختر سابق نبود. خودش در باره اشکی که از ذوق در چشمانش حلقه زد و حس خوب آن اتفاق می گوید: شاید تا پیش از آن اتفاق به ورزش نگاه جدی نداشتم، اما بعد آن کمر بند، نگاهم به کاراته خیلی تغییر کرد و حالا دلم می خواهد تا جایگاه مربیگری پیش بروم و شاگردان بسیاری پرورش دهم. هلنا در مسابقات استانی یک ماه پیش در مبارزه فایت که آنج حرفی به پایش اصابت کرد، آسیب دید اما این آسیب ها از عشق او به ادامه راه ورزشی اش کم نکرد، یک ماه است که به دلیل آن اتفاق نتوانسته ام به کلاس بروم اما به محض بهبودی دوباره مانند قبل و مصمم تر از قبل ورزش را ادامه می دهم. منتظم که پایم زودتر خوب شود، یکی از دلایل اینکه ورزش برای هلنا این قدر مهم است، این است که مربی اش، مریم وثوق، کمر بند رده بالاتر را به کسی می دهد که واقعا تلاش کرده و سطح ورزشی اش از آن کمر بند هم بالاتر باشد. او در باره آغاز اتفاق ورزش در زندگی اش می گوید: اول رشته کیک بوکسینگ را انجام می دادم اما خیلی زود متوجه شدم به کاراته و زیرشاخه آن، کیو کوشین، بیشتر علاقه دارم. این شد که هر دو را کنار هم ادامه دادم و کیو کوشین را بیشتر. سخت گیری های مربی ام سبب شده است دل کندن از این دو ورزش برای من خیلی سخت باشد و ورزش با زندگی من عجین شده است.

ورزش خشم دوران نوجوانی را از من گرفت

هلنا این روزها منتظر آمدن نتایج کنکور است. می گوید دوست دار در رشته رادبولوژی تهران قبول شود و در کنار آن، ورزش را هم به عنوان یکی از علایق مهمش ادامه دهد. در این دو سال اخیر ورزش سبب شده است خشم دوران نوجوانی و حس های بدی که در این دوران حساس زندگی، سراغش می آمده است، کنترل شود. به نظر خودش، خلیقاتش با ورزش صد و هشتاد درجه تغییر کرده و حالا شاداب است و روحیه ای قوی و خوب دارد. دوست دارد برای راه شیرینی که در مسیر زندگی اش پیدا کرده، از پدرش علی اکبر گلی که ۱۰ سال است جو دوو کاراته کار می کند و مادرش، سمیه کاراجیان که هفت سال است فیتنس کار می کند، تشکر کند. هلنا این روزها در مسیر قهرمانی است. او می گوید: سال گذشته در مسابقات کشوری کیو کوشین کاراته بانوان مقام نخست را در بخش کومیته (مبارزه) به دست آوردم. امسال هم با وجود مصدومیت موفق شدم عنوان سومی مسابقات کاراته استانی را در بخش کاتا (حرکات نمایشی) کسب کنم. امیدوارم روزی در مسابقات بین المللی پرچم دار کشورم باشم.

رضاری ۴۱ سال از شهادت محمد رضا ریحانی یساولی گذشته، اما همچنان عشق او در دل همسرش گرم و تازه است. عزت خانم محمودیان، همسر شهید، راوی بخشی از زندگی مشترکشان است.

وقتی محمد رضا به خواستگاری ام آمد، جواب رد دادم. چند بار دیگر هم آمدند. او از من پرسید: «چرا نه؟! سفره دلم را برایش باز کردم و گفتم: از غربت خوشم نمی آید، شما من را به اهواز می برید. نمی توانم غربت را تحمل کنم. دوری از خانواده برایم خیلی سخت است.» بعد از جواب منفی من، محمد رضا لحظه ای در خود فرو رفت، پس از مدتی سر برداشت و گفت: «قول مردانه می دهم که هر وقت دلتنگ خانواده ات شدی، بفرستمت پیش آن ها.» این شد که قبول کردم. هشتم محرم بود. محمد رضا برای عقد عجله داشت. پدرم به احترام ماه محرم می خواست برنامه عقد را به تأخیر بیندازد، ولی محمد رضا مخصی اش رو به پایان بود. رفت مسجد و از امام جماعت در این باره نظر خواست. امام جماعت مانعی در عقد در ایام محرم ندید. مشروط بر اینکه مراسم فاقد تشریفات معمول باشد.

مقدمات کار فراهم شد. عاقده خانه ما آمد. من با لباس معمولی سر سفره عقد نشستم و «بله» را گفتم. حضار هم صلوات فرستادند و تمام. این شد همه مراسم عقد و ازواج ما. محمد رضا در طول سیزده سال زندگی مشترک، حتی یک بار هم خلف وعده نکرد و تمام آرزوهای من را در حد توانش برآورده کرد. او یک فرشته بود و من و فرزندم در پناهش آرامش داشتیم.

چند سالی محل خدمتش اهواز بود. تابستان که می شد، مرا اهری شهر و یاد پیمان می کرد که گرمای بالای ۶۰ درجه آن منطقه اذیتم نکند. ولی بعد ها حاضر به ترک اونمی شدم و می گفتم: «مگر خون من از خون شما رنگین تر است؟!»

من قوچان بودم و او در آبادان حفاظت فرودگاه را بر عهده داشت. پسرم متولد شده بود. اطرافیان به تکاپو افتادند که خبر را هر چه زودتر به او برسانند که ناگهان بیستچی زنگ در را به صدا در آورد. تلگرافی بود از طرف شوهرم. او تولد احمد رضا را تبریک گفته و قدمش را گرمی داشته بود. همگی حیرت کردیم. او چطور فهمیده بود که فرزندمان متولد شده است؟! اصلا از کجا فهمیده که او پسر است؟! اسمش را هم تعیین کرده بود. ای کاش آن تلگراف را به عنوان یادگاری مقدس حفظ کرده بودم.

آخرین تماس تلفنی اش صبح زود بود از شرکت نفت آبادان. گفت: «می خواهم برویم جلو؛ ممکن است مدتی نتوانیم تماس بگیریم.» اصرار کرد بچه ها را ببینم تا با آن ها حرف بزنم، حتی از من خواست صدای فرزندش شیر خوارمان عبدالله را در بیارم تا او بشنود. به شوخی می گفت: «عبدا... نماینده من کنار توست.»

نام: شهید محمد رضا ریحانی یساولی

سال تولد: ۱۳۲۷. قوچان / سال شهادت: ۱۳۶۰

محل شهادت: عملیات ثامن الائمه (ع)

سمت در ارتش: فرمانده گروه دیدبانی لشکر ۷۷

پیروز خراسان

همسر: عزت محمودیان

فرزندان: بهجت، احمد رضا و عبدا...

امید محله

از این پس قرار است در ستون اهالی

خاکریز، سراغ خانواده شهید برویم

و روایت آنان را از شهید، به زبان

خودشان بشنویم. این

نخستین روایت ستون

اهالی خاکریز

است.

نوجوان رزمی کار محله آب و برق آینده روشنی برای خودش ترسیم کرده است

دل کندن از ورزش برایم سخت است



منطقه



محلات منطقه ما:

۹: نوفل لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیرو هوایی، آب و برق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲، گلدیس و ولی عصر (عج)

۱۰: رازی، استاد یوسفی، شریعی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، ایثارگران، امام هادی (ع)، خاتم الانبیا (ص) و میثاق

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
 دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلیلی استاد
 دبیر شهرآرا محله منطقه ۹ و ۱۰: رضاریاحی
 تلفن شهرآرا محله منطقه ۹: ۳۸۸۳۸۸۵۴
 تلفن شهرآرا محله منطقه ۱۰: ۳۶۶۲۹۴۸۰

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
 دفتر منطقه ۹: بولوار وکیل آباد، ابتدای بولوار هاشمیه
 دفتر منطقه ۱۰: نبش استاد یوسفی ۱۳ فرهنگسرای خانواده
 پست الکترونیک: mahalle9@shahrara.ir
 mahalle10@shahrara.ir
 کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
 دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir



کوچه همیشه بهار

ویژه در این خیابان، فضاهای سبز متعدد است که چهره این محدوده را سبزترنگ و زیبا کرده است. تقریباً همه فرعی های خیابان فلاحی ۳۸ از بوستان های محلی برخوردارند؛ بوستان هایی که هم نشیمن مناسبی دارد، هم فضای بازی کودکان و هم تجهیزات ورزشی مناسب که رضایت اهالی را به همراه دارد.

رضاریاحی | خیابان فلاحی ۳۸ بخشی از محله لشکر است که قدمتی در حدود چهل سال دارد. انتهای این خیابان به بزرگراه آیتا... هاشمی رفسنجانی می رسد و یکی از معابر میان بر اهالی برای فرار از ترافیک های عصرگاهی بولوار فلاحی به شمار می آید. در این معبر چهار کاربری فضای سبز، ورزشی، مذهبی و آموزشی قرار دارد اما کاربری

خیابان فلاحی ۳۸

محله لشکر، منطقه ۱۰



بوستان «فدک» در انتهای خیابان فلاحی ۳۸ قرار دارد. بوستانی ۳ هکتاری که از انواع فضاهای ورزشی و رفاهی برخوردار است. محل بازی کودکان، مسیر دوچرخه سواری و پیاده روی، زمین های ورزشی روباز از جمله امکانات این بوستان محلی است.



مسجد «صاحب الزمان (عج)» با سقف شیروانی و در و پنجره های سبزرنگ چهارده قدمت دارد. پایگاه بسیج خواهران و برادران، شعبه همیاری شورای حل اختلاف، خیریه، مهد قرآنی و... بخش های فرهنگی و اجتماعی این مسجد است.



بوستان «سوسن» و بوستانی که اهالی به آن «بوستان قوری» می گویند از دیگر فضاهای سبزی است که در این خیابان قرار دارد.

سه زمین ورزشی روباز که در آن بچه ها به بازی هندبال و بسکتبال و والیبال می پردازند و یک زمین چمن مصنوعی فوتبال از جمله امکانات ورزشی است که حتی در این روزهای سرد سال هم پرطرفدار است.

